

عباس احمدی:

من یارمهربانم، سرویس شده دهانم!



به بهانه برپایی نمایشگاه کتاب

من یار مهربانم، اما کمی گرانم  
چون جنس بادکرده، در دست ناشرانم

درکل به قول ایشان، کمسود و پُریانم  
من گرچه اهل ایران، این ملک شاعرانم

زیر هزار نسخه، باشد شمارگانم  
مانند حال زائو در وقت زایمانم

یا لنگ فیلم و زینکم، یا گیر این و آنم  
گیرم اگر مجوز، من یار پنددانم

از این ممیزی‌ها سرویس شد دهانم!  
اغراق اگر نباشد، صفر است راندمانم

یک روز رفتم ارشاد، با این قد کمانم  
گفتم بده مجوز، ای راحت روانم

گفتا تو را برادر، یکسال می‌دوانم  
در تو عقایدم را، با زور می‌چپانم

گفتم نمی‌توانی، گفتا که می‌توانم  
گفتم کنم شکایت، گفتا که بر فلانم!

از حرفهای او، سوخت تا مغز استخوانم  
من یک کتاب خوبم، عشق است ترجمانم

نه عامل خلاقم، نی در پی مکانم!  
محبوب اهل فکرم، منفور طالبانم

فعال در مسیر آزادی بیانم  
خواننده گر کوزت شد، من ژان وال ژانم!

من وارث پایپروس از مصر باستانم

هم خبره در سیاست، هم اقتصاددانم

بسیار حرف دارم، با آنکه بی‌زبانم  
شاگرد فابریکِ جبار باغچه‌بانم

درد دلم شنیدی؟ حالا بخر، بخوانم  
از بسکه شعر گفتم، کف کرد این دهانم

حسن ختام بی‌تی است کآمد نوك زبانه  
از خطه بیابان گفته سعید جانم:  
«من شاعری جوانم منهای گیسوانم»!

تهیه و تنظیم از سایت ریشه‌ها

[www.nadersani.net](http://www.nadersani.net)